



www.iran-archive.com

چشمش خالصی

و

اپر تویتسهای ما

جنبش خلق و اپورتونیزمهای

ما

به اطراف خود نگاه کنید سر خود را از نجسوه کابین کار خود بیرون بیاورید تا بتوانید به ایستادن مسائل پاسخ دهید. مگر حکومت اکنون با تیرساران دسته جمعی افراد مسالمت جوویی اسلحه در همسایه جا جنگ داخلی را شروع نکرده است؟ مگر باندهای مسلح سیاه بستانه "برهان" حکومت مطلقه مشغول عملیات نیستند؟

آشکار بودن عملیات انقلابی اکنون یکی از بهترین شرایط نفوذ تربیتی در توده های مردم است هر کسی که دارای چشم بیناست ممکن نیست در این باره شک داشته باشد که طرفداران انقلاب مسئله قیام مسلحانه را چگونه باید مطرح کنند و . ای . لنین

.. بار دیگر در ماههای اخیر ما شاهد قلیان جنبش توده ای در مقیاسی وسیع بودیم که هنوز کمابیش در اشکال گوناگون ادامه دارد . بسیاری

تمام کسانی که خود را طرفدار انقلاب میدانند ایستاد
 بسیار امید بخش بود و این پیش در آمد آن تکان
 تاریخی است که همه ما با امید به آن مبارزه کرده ایم
 جنبش خلق مسائل سیاست را بشکل وسیعی بمیان
 مردم برد و آنها بصورت مسئله روزانه آنها در آورد و در
 کنار آن وضعگیری های مختلفی را باعث شد و تمام
 طبقات و اقشار خلق با توجه به کیفیت تضاد هایشان
 با سیستم آنها تأیید کردند و به نسبت آگاهی سیاسی
 بدان یاری رساندند و همراه با آن گروهی بسیار
 و سازمانها با تکیه بر دیدگاههای طبقاتی خود
 سعی در تحلیل و تعیین موضع خود نسبت بدان
 برآمدند.

مارکسیست - لنینیستها که خود را نمایندگان

بزرگترین و دموکراتیک ترین جناح جنبش خلق
 میدانند در برخورد با حرکت تاریخی توده ها خواستار
 مبارزه با تمام گرایشات واپسگرایانه ای هستند که
 مانع تاریخی آنها را قلب میکند و میخواهد آنها را مسیر
 منافع اقشار وسیعی محدود نمایند و این تئوریسم آنهاست
 یک جویان طبقاتی در چهره چپ و راست خود در
 درون جنبش نمایند و چنین گرایش است.

سازمان ما ، بعنوان بخشی از پيشاهنگ مصالح خلق ، در حالیکه وظیفه خود میداند با گرایشات ناسالم در درون جنبش مبارزه کند موضع خود را نسبت به جنبش توده ای روشن مینماید . آنچه برای ما اهمیت دارد این است که : در قبال تلاش قهرمانانه خلق چه باید کرد ؟ و چگونه میتوان از چار شدن آن بد رکود و رخوت جلوگیری نمود ؟ جنبش خلق را چه چیز از درون تهدید میکند ، چه کمافی امروز از درون با آن بد دشمنی برخاسته اند و واقعیت آنرا منسوخ میکنند ؟ در وهله اول دو گرایش در کنار هم وجود دارند که در تحلیل حرکت توده ها در جهت منافع آن گروههایی که از آن منشاء گرفته اند سمت گیری مینمایند . چپ انقلابی نما در حالیکه از خیزش توده ها بد وجد آمده بدون توجه بسبب سازماندهی و دادن جهت یابی صحیح بد آن سعی در تحمیل خواستهای آنارشیستی خود بجنبش مینماید و میخواهد از حرکت آنها توجیهی برنقطه نظرهای چپ روانه خود بترشد . آنها در حالیکه بسزوم پیوند یافتن با جنبش توده ای را انکار میکنند و اصلاً تلاشی در این زمینه نمینمایند . در زیر شعارهای

چپ آشفته فکری انقلابی خود را پنهان نمایند
و بدین گونه انرژی انقلابی توده ها و نیروهای
پیشاهنگ را بهر زیاده هتند .

اپوزیسیون چپ گامهای استوار بنحیث و ای گنه
تواند بخش آینده است را نشای نتایج ملموس و عملی
نمناید آنها همیشه از ارائه ادامه کاری عاجز هستند
خصوصیت ویژه این جریان ها ام از این شاخ به آن شاخ
پریدن است . نزد است آنها از سرشت تبلیغاتی
عملیات مسلحانه سخت محدود و اراده گرایانه است
برخورد یکجانبه به نقش پیشاهنگ و در نتیجه نقش
مطلق برای عمل مسلحانه قائل شدن و در نتیجه
دچار این توهم شدن که هر عمل مسلحانه میتواند
بهره فهای جنبش مسلحانه خدمت کند . چنیسین
پرداشتی نتیجتا باعث خواهد شد که آنها بنحیث
نیوه های اقتصادی و سیاسی مبارزه بهائی ند هتند
و در تربیت اصولی کارهای خود دچار غفلت گردند
در برخورد با جنبش بین المللی آنها هر عمل
مسلحانه ای را که از طرف هر گروهی صورت گیرد
بدین اینکه تحلیل مشخصی از شرایط آن جامع
و ماهیت جریان داشته باشند تأیید میکنند . منشاء

طبقاتی این جریان را در درون جنبش بایستد در
گرایشات خرد به پژوهازی رادیکال در شرایط
فقدان يك پيشاهنگ نیرومند پرولتاریائی جستجو
نمود. وجود اندیشه های چپ در جنبش از طرفی
باعث میگردد که قادر باشیم با واقعیت های تاریخی
و شرایط عینی خود برخوردی مارکسیستی داشته
باشیم و در تحلیل حرکات توده ها دچار توهم
گردیده و نتوانیم موضعی اصولی در قبال آن اتخاذ
کنیم و این به اپورتونیسم راست بمثابة يك دشمن
عده و بقول رفیق لنین عده در مقیاس بین المللی
فرصت خواهد داد تا از برخورد های چپ در توجیه
مواضع خود سود جوید از آنجائی که در یکسره و به
جنبش در معرض ابتلا به چپ روی قرار داشته
در حالیکه ما از نظر تئوریک به بسیاری از جنبه های
آن در گذشته آگاهی یافتیم اما این به مفهوم
تابودی آن نیست. هنوز در شیوه برخورد های ما
بقایای آن پنجم میخورد و وجود بقایای آن ما
را دچار خرد و کاری خواهد نمود و از وظایف
اساسی که در شرایط حاضر در قبال جنبش توده ای
بعهد داریم باز خواهد داشت. چنین است که

مبارزه با اپورتویسم راست در این مرحله بطور
 اجتناب ناپذیری از کانال مبارزه با این انحراف جدید
 در دین جنبش میگذرد (۱) .
 اما در مورد گرایش دوم — برخاسته
 آن کهنه سیاست بازان افشاء شده ای که در سالهای
 زمستانی و سرد جنبش در پستوهای گرم خود پنهان
 شده بودند و از آنجا مدام امریه و دستور العمل —
 صادر میکردند و تقاضاهای خنده آور و مکرراتیستیک و
 خود را برای رژیم فاشیستی تکرار میکردند . آنها
 که از تجربه های گذشته خود هیچ نیاموخته اند
 (و نخواهند بیاموزند) هر روز بیشتر از نود و نه
 و مبارزات آنها فاصله گرفته و بدین ترتیب راه هرگونه
 برخورد خلاق و صادقانه با مسائل جنبش را از دست
 داده اند و دچار آن برداشتها و نقطه نظرهای
 سفیهانه ای شده اند که نین از آنها بصورت مشرمان
 جامد (آدمهای توی قوطی) یاد میکنند . آنها
 در حالیکه امروز سخن دارند خود را به جنبش
 تحویل نمایند و حتی ادعای بیشترین سهم را در آن —
 دارند خود را از همه دهندگان منحصر بفرد جنبش
 (۱) — نبرد با دیکتاتوری . . . رفیق چرنوسی

که نویستی میدانند . ابعای آنها آن داستان
 روستائی را بیاد میآورد که میگویند : مردی در حال
 شکستن همیزم بود روستائی دیگر در حالیکه در زیر
 سایه درختی نزدیک او نشسته بود ، هرگاه
 آن مرد همیزم شکن تبر را بر همیزم فرود میآورد آن مرد
 سایه نشین با خود هن میگفت و سرانجام هنگامیکه
 همیزم شکن روانه بازار شد و نتیجه کار خود را فروخت
 آن مرد ججوی او را گرفت و سهم خود را مطالبه
 کرد همیزم شکن با تعجب گفت که توجه کرده ای که
 که چنین ادعائی داری ؟ آن مرد گفت که وقتی تبر
 تبر را پائین میآوردی همن را من میگفتم بدین سبب
 شریک کار تو هستم . (با این تفاوت که آن مسرد
 هنگامی بی آزاری بود و در کار همیزم شکن اختلال
 ایجاد نمیکرد .)

ببینید یکی از نویسندگان این جریان در این
 مورد چگونه برخورد میکند : " یکی از شایستگیها
 و سزواریهای برجسته حزب توده ایران که شهرت
 پر اتمهای دارد جان سختی و قابلیت حیسات
فوق العاده آن است در کشوری که در آن مستقیمت
 مبارزات حزبی بکنی ناچیز و اکثر احزاب سیاسی

ما فتنه حباب صابونند. حزب ماطلی ۳۵ سال نبرد
سپهتگین شنیدنیترین هجوم های مدام در ضمن را
 دفع کرده و هر بار از زیر آوار حوادث کمر شکن
 مردانه بیجا خواسته است تا راه دشوار و پرافتخار
 خود را با پیشانی باز ماطلی کند و بدین سزاواری حزب
 ما دوست و دشمن اعتراف دارد!

عرصه این نبرد سپهتگین در تک ایستادگی از سیارات
 بوده است! ۳۵ سال نبرد سپهتگین! آقایان
 شنیدن این ادعا برای مرد میکه سالها در زیبحاکیت
 یکی از فاشیستیترین دیکتاتوری های تاریخ دست
 و پا زده اند و ناظر حیات منفعلانه تشکیلات مصفا
 بوده اند چیزی جز نفرت ببار نخواهد آورد. این
 حرف کسانی است که فقط با کلمات خود را ارضاء
 میکنند نویسنده این مطالب تا آنجا پیش میرود که
 در برخورد با یکی از بزرگترین نقطه عطف های جنبش
 (و در عین حال نقطه ای که اپورتونیزم شهر را در
 توجیه خیانت تاریخی تشکیلات خود میگوید: الگو
 ماطلی ۲۸ مرداد تملک کردیم بدین دلیل بسوزد
 که میخواستیم با عده قی مشرقا عمل کنیم ولی او حاضر
 به این همکاری نشد و میگوید ما اشتباه کردیم

(خیلی خوشبرد) که مستقلانه وارد عمل نشدیم
و سپس در حالیکه ما را دعوت بیک تحلیل خون مردانه
و علمی ! از آن میکنند میگرد تنها نتیجه ای که
از آن میتوانیم بگیریم درست بودن و اصولی بنسبت
مشق ما بود علی‌رغم اینکه سر این مورد اشتباه کردیم
و در جای دیگر یکی از نماینده گان این تشکیلات
جان سخت و نماینده دُ بلا منازع طبقه کارگر ! با عنوان
مقاله خود بنام " در برابر طبقه کارگر اهمال کردیم"
با انتزاع سازیهای خود رابطه جنبش نوین انقلابی
طبقه کارگر را مورد پرسش قرار میدهد و انتقاد از
جنبش را تبدیل به پوششی برای تمامی گناهستان
خود میکند و اینکه سالهایی که گذشت خزان جنبش
بود و حال شرایط عینی در حال رشد است و باغ
های بشارت و امید در حال روئیدن است (البته
با پیدا شدن آنها) . اینجا عمده فراموش میکنند
که اهمال کاران واقعی چه کسی بوده است جنبش
نوین که علی‌رغم کم تجربگی و نارسائیه در صحنه خونین
ترین بیکارهای اجتماعی در پی راهیابی و بساز کردن
گروه گور جنبش بوده است یا در دست کپته سرکزی
که عنوان پرطمطراق حزب طبقه کارگر بودن را ۳۵ سال

تکرار کرد و آنده .

این کمال فریبکاری است که نتوانسته باشی با مردم جملہ قرار دادن دیگران بتمامی کجرویهای خود سروش بنگذاریم این جز نمارا تا نیسم سیاسی مفهومی ندارد . خیانت اپورتونیسم سنتی را در جنبش انقلابی ایران هیچگاه فراموش نخواهیم کرد و از تکرار هزاران باره آنچه کرده و میکنید خسته نشوایم شش گذشته و حال جوان اپورتونیستی همچون تساری در هم تنیده است بدون افشا همه جانبه آن نینواک ماهیت اساسی آنها نیز بود و ها بر ملا نمود انگسردر گذشته آنها از موضع خرد و بورژوازی سعی در نزدیک شدن به طبقه کارگر را داشتند امروز با تحول شرایط اقتصادی اجتماعی و رشد گروه بورژوازی لیبرال بدون طبقه حاکم با طرح شعار دفاع از دموکراسی بورژوازی و جمهوری دموکراتیک بورژوازی بمشامد اقصین بورژوازی لیبرال ظاهر گشته اند و نقش رسوخ دهنده اند یشه های زقریسم بورژوازی را به درون جنبشش انقلابی بچینه گرفته اند (چون خرد و بورژوازی در شرایط حاضر را یکال تر از آنست که آنهاست بتوانند به آن نزدیک شوند) .

در این موقعیت مبارزه آید ثولوزیک نیرو هسای

انقلابی برای طرف نمایندگان فرصتی از درون

جنبش به یک ضرورت عام تبدیل شده است آنها

در شرایطی که جنبش خلق در حال گسترش است

و رژیم را دچار مشکلات و بحران های بسیاری نموده

در حالیکه در لباس دوستان مردم در آمده اند

از پشت بدان خنجر میزنند و اینک مردم در مبارزه

خود نزاکت و انضباط پررئوایی را تکی کرده اند

و خشم و نفرت خود را نسبت به رژیم به صورت عظیم

قهر ماناند به تمامی مظاهر آن نشان میدهند و باعث

گشته اند که رژیم به تمامی ماهیت ضد خلقی خود را

با سرکوب خونین مردم غیر مسلح نشان دهد روی توش

نموده و از مردم میخواهند در اعتراض خود از چسار

چوب صنایع لیبرالیزم پررئوایی خارج نشوند چرا که

این شکل از اعتراض لیبرالهای مار آخته نشیمن

خواهد نمود و فرصت اینکه جنبش را بوسیله ای برای

چانه زدن با رژیم تبدیل کنند از آنها میگیرد

در شماره فوق الحاده سه شنبه ۴ اسفند نور

تحت عنوان (درود شهر اندیز به مردم قهرمان تبریز)

نمونه کاملی از این دیدگاه را مشاهده میکنیم

..... رژیم بنا بر شیوه همیشگی خود بادست
 زدن بیک سلسله خرابکاری بدست چاقوگمان و -
 اوپاشان ساواک در تقلامت این بربریت آدمکشانسه
 خود را ترجیه کند و کسانی را که با استفاده از حقوق
حقه قانونی خود در نهایت نظم دست بد نظاهرات
 زده بودند مورد آزار و اهانت و تعقیب قرار دسه
 مردم ما در طی سالها حاکمیت رژیم فاشیستی
 شاه بارها و بارها شاهد بگلوایه بمتن نظاهرات
 آرام خود بوده اند و به اندازه کافی مفهوم نظاهرات
 منظم و مسالمت آمیز را درک کرده اند در اینجا دیگر
 نظاهرات مسالمت آمیز فقط آن نظاهرات فرمایشی
 است که با اندازان رژیم براه می اندازند نه خلقی که
 سالها از ابتدائی ترین حقوق انسانی خود محروم
 بوده است اینجا رژیم مدتهاست که دیگر قوانین
 پذیرفته شده خود را در عمل نقض نموده و اینسرا
 مردم میدانند . رفیق لنین میگفت : " نمایندگان
 بورژوازی لیبرال میشوند با تزا رسم از راهملایمت
 یعنی بشیوه اصلاح طلبی از راه گذشت بیمنسی
 بدون اینکه اشرف نجبای دربار را برنجانتد بسا
 احتیاط یعنی بدون هیچ عمل قاطع با ملاحظت

و ادب آقا منشانه دستکش مفید بوده است (شبیه
 آن دستکشی که بطر و نکویج در موقع شرفیای پیوسته
 نماینده گان مردم بحضور نیکلای سفاک از یکی از گروین
 گلشت ها عاریه کرده بود) تمسویه حساب نماینده
 روحیه قهرمانی و حماسی مردم در جریسان
 حرکات اخیر لطاف روح سرکس که خود را طرفدار
 انقلاب میداند را تکان میدهد و این احساس را
 بوجود میآورد که در مقابل این همه شوریدگی روحیه
 از خود گذشته گی چه پاسخی باید داد اینها که
 هرگونه صداقت و شور انقلابی را در جریان زندگی
 بهر ژوا منشانه خود از دست داده اند هیچگاه
 نخواهند توانست آنها را درک کنند و تنها میتوانند
 در برخورد با چنین روحیه ای دچار سراسیمگی
 شده و مردم را دعوت بد رعایت نظم و نزاکت نمایند
 رفتای ما و بقول مردم تبریز "داس و چکش ها"
 که در جریان قیام قهرمانی تبریز شرکت کرده بودند
 نمونه هایی از این شور انقلابی خلق را نقل کرده اند
 که بیان چند نمونه از آن نشان میدهد که مردم
 که دارای چنین روحیه و نفرتی نسبت بد رژیم دستنند

آیا میتوانه نظاسرات و خواسته هایشان در مقابل
 رژیم شکل مسالمت آمیز داشته باشند؟

در جمعی از کارگران و کامبکاران از نیرو جوان
 که خود شمارههای ضد دولتی میدادند پیر مسمره ی
 پر چوش و خروش که هرچند از ما بود میگفت: چاقو در
 میخواهند خون ما را بکنند ، بموزانید کاخ ایستادن
 ظالمان را

جوانی که در محله امیر خوز گدوله ای بگردنش
 احاطت کرده بود در مقابل کسانی که میخواستند به او
 کتک کنند گفت بروید بدیگران کتک کنید خوشحالشم
 که در محله ستارخان میروم ! و کارگری که هدف
 گدوله و دخیمان قرار گرفته بود فریاد میزد " من شهید
 شهید یزم " (من شهید شما شستم)

و دو مادر قهرمان که فرزندانشان شهید شده
 بودند در قبال این حرف که بیکی از آنها گفته بودند
 برو جسد پسر را بگیر جواب داد کسی که قربانسی
 میدادند نهال قربانیش نمیرود و دیگری میگفت بسمه
 از این گلشهای کوشنورده ی پسر را خواهم بونش بسمه
 و بجای او به کوه میروم و نمیکه ارم جای پسر خالسی

لیبرال‌های ما امروز وضع بسیار خنده‌آوری -
 یافته‌اند آنها در حالیکه به امید احیای مکراسمی
 و احیای فعالیت‌علنی خود نشسته‌اند خواست‌ها
 آن شرایط صلح آمیزی هستند که در آن بتوانند
 بد جمهوری مکرانیک بورژوازی خود برسند و در چنین
 موقعیتی که مبارزات پرشور خلق به تمامی ماهیت
 جنایتکارانه رژیم را بد تماشا گذاشته است (چیزی
 که آنها با دعوت مردم به انضباط و آرامش سیاسی
 در پنهان کردنش دارند) آنها تلاش میکنند پس
 به انفعال گشاده مبارزات خلق آنها در خدمت
 منافع بورژوازی لیبرال قرار دهند ولی توده‌ها تنبذ
 می‌روند و به رغم آنها زیادی هم شتاب گرفته‌اند
 بعدیکه تمام زوزه‌ها و ناله‌های مبارزاتی
 لیبرال قادر نیست آنها را متوقف کند و آنها هیچگاه
 بتوده‌ها نخواهند رسید و چنین است که از راه خانه
 تئوریک خود برای فرمان ایستادن بتوده‌ها
 جملات مناسب را بیرون میکنند که "درگیر شدن
 در یک نبرد ریاروی و قهراً آمیز با دشمنی که تنها
 داند آن مسلح است و تمامی مواضع قدرت را در دست
 دارد و هر نوع جنایت و درندگی از او متصور است

بمثابه يك ارتش تمرین ندهید و این ابزار را فرمانده بجنگی
 نابرابر است نتیجه چنین جنگی پیشاپیش معلوم
 است و مسئولیت و عواقب آن با عناصر و گروهها و
 اقتضای است که از نظر تاریخی رسالت و از نظر
 سیاسی و ایدئولوژیک استعداده و ظرفیت فرماندهی
 و سازماندهی این ارتش را ندارند اما از وظیفه
 خطیر و حیاتی خود به انحاء مختلف و دستاویزهای
 جور و اجور سرپا زده اند " و سپس بیان این مسئله
 که بیکار مردم در قم و تبریز و دیگر شهرها يك بیکسار
 نابرد بار بود!

ما باز هم می پرسیم که چرا توده ها به نبرد
 نابرابر با رژیم برخاسته اند؟ نبرد برابر که است؟
 وجه کسانی از وظیفه خطیر خود سرپا زده اند؟
 و چرا توده ها نابرد بارند؟ آنقدر مسئله در رابطه
 با این جان سختان وجود دارد که میتوان به طرح
 این سئوالها تا بینهایت در مقابل آنها ادامه داد و
 جوابشان هم از قبل مشخص است: تا شرایط عینی
 وجود ندارد نباید به نبرد برخاست باید کار مخفی
 صرفا سیاسی و سازماندهی کرد تا بتوان در يك نبرد
 برابر تمامی نیروها را بیدار کنید. اما دستاوردها

سازمانگیری انقلابی ! و کار صحنی شما در نزدیکی
 به دو دهه کدام است چه نیروی را متشکل نموده
 و سازمان دادید ؟ (می بینید سوالها باز قسم
 ادامه می یابند و سرانجام استفاده از این جملات
 چنین که : " ما نام که مبارزه طبقه کارگر برای تصرف
 قدرت در دستور روز نیست بدون تردید باید از
 اشکال مکرر سیاسی بورژوازی استفاده کرد " و . . .
 انقلابیون بی تجربه غالباً می پندارند که کار نیست
 شیوه های علمی مبارزه جنبه اپورتونیستی دارد " (۱)
 شرایط عینی و شعار سازمانگیری انقلابی
 از مبارزه بخاطر مکرر بورژوازی و جمهوری
 مکرراتیک بورژوازی بدر می آید . (با لنین چشمه
 میکنند !)

اینکه توده ها در این شرایط مبارزه برخاسته
 از چند عامل سرچشمه میگیرند که عبارتند از :

- ۱ - تشدید بحران اقتصادی و سیاسی
 علیرغم افزایش درآمد نفت و فشار روز افزون بتوده ها
- ۲ - وجود سازمانهای مسلح پیشرو که با ادامه
 مبارزه خود در سطح جامعه بشکستن ترس و خفست

توده‌ها کتک کرده اند و چهره رژیم در درگیری با آنها هر چه بیشتر از نظر داخلی و خارجی افشاء شده است .

تفاوت‌های حرکت مردم با گذشته عبارت است از :
 ۱ - گسترده‌گی و وسعت آن که برخلاف گذشته
 مثلا خرداد ۴۲ که جنبش فقط در دو سه شهر
 بزرگ وجود داشت اینبار دامنه خود را تا شهرک
 ها و روستاها گسترده است .

۲ - بهم پیوستگی - اکنون مبارزه چندین ماه است
 بصورت موج بهم پیوسته ای ادامه یافته و تنها
 در یک مقطع زمانی کوتاه جرقه وار بوجود نیامده
 است و علیرغم سرکوب خونین رژیم ادامه یافته و بسا
 توجه به پحرانهای درون سیستم و رشد و پائین
 هر چه بیشتر تضادها و رشد آگاهی سیاسی توده‌ها
 که در آن مبارزه مسلحانه نقش داشته است ادامه
 خواهند یافت .

۳ - روحیه تهاجمی - گرچه مبارزات اخیر از تشکیلات
 و سازماندهی لازم برخوردار نیست و ضعف عنصر
 پشاهنگ در آن محسوس است ولی چنانکه مشاهده
 کردیم توده‌ها نه با تقاضای مسالمت آمیز و صلح

جوانه بلکه با آگاهی کامل از سرکوب رژیم به تظاهرات
خشونت آمیز متوسل میشوند. مشخصا شعار سرنگونی
رژیم را میدهند. این از تجربه گذشته بوده و هاسرچشمه
میگیرد .

و اما در مورد آنچه که بعنوان نبرد نابرابر
توصیف میشود حتی گمانیکه هم با حسن نیت نسبت
در جهت تخطئه چنین حرفی را تکرار کنند. متفکر
ترین دگماتیستها هستند که پیروزی جنبش رهاشیمش
را هنوز صرفا بشکل قیام لحظه ای ممکن میدانند
و تجربه تاریخی معاصر را درک نمیکنند . بسیاری
با امپریالیسم پرورده ای است طولانی و مسلحانسه
که با مبارزات کوچک به اشکال مختلف آغاز شده
گسترش یافته و اشکال عالیتری می یابد و در جریان
این نبردهای کوچک و بزرگ است که نوده ها از
مبارزات خود و پیشاهنگ می آموزند . مسلما چنین
نبردهائی پراکنده و نابرابر نطفه نبردهای بزرگتر
و تشکل عالیتر را در درون خود پرورش خواهد داد
خلق در پرورده این نبردها است که خود را باز میابد
و بالاخره خلق ما کمال نبرد باری خواهد
را نشان داد ! آری آنها برد باری اپورتونیستها

و بهر زوا لیرالها را نه از نه چرا که در تحمل شرایط موجود هیچگونه منافعی برای خود احساس نمیکنند در پشت این کلمات چیزی جز منافع طبقاتی لیرالیزم که مبارزه خلق را به انضباط و نزاکت میخواند وجود ندارد .

رفیق لنین میگفت : " توده ها باید بدانشند که بسوی يك مبارزه مسلحانه خونین و تا پای جان میروند جس تحقیر نسبت به مرگ باید در بین توده ها شایع یابد و پیروزی را تضمین کند تعرض بر دشمن باید فوق العاده جدی باشد شمار توده ها باید تعرض باشد نه دفاع نابودی بیرحمانه دشمن و ضایفه آنها خواهد گردید " . و مبارزات توده های مسلمان به تصدیق هر چه بیشتر این مفهوم در میان آنها کفک کرد آنها با دادن قربانی و نترسیدن از مرگ تمامی دستگاه هیولانی رژیم را تحقیر کردند . اما يك مسئله را هم بخوبی احساس کردند امری که تبدیل به شمار جمع کوچکی از قیام کنندگان در مشهد شده بود : " تشکیلات ، تجهیزات " آنها ضرورت آن تشکیلات رزمنده ای را زنده میکردند که فساد را باشد تلاش قهرمانی خلق را از صورت پراکنده و غیر

مشکل بحریان واحدی تبدیل کند و تجهیزات لازم جهت روبروش با دشمن سرتاپا مسلح را در اختیار آنها قرار دهد. (آنچه اینجا مورد نظر است يك تشکیلات رزمنده انقلابی است نه تشکیلات و سازماندهی اپرتونیستی که توده ها را دعوت به برابری و عتانت در برابر سرکوب قهرآمیز میکند) توده ها در شرایط اعتدالی جنبش بیشتر از سایر اشیا را کوی چیز می آموزند .

ما وظیفه خود میدانیم که در جهت پیوند با جنبش توده ای سازماندهی و ارتقاء آگاهی سیاسی توده ها تلاش نمائیم با توجه به شرایط حاکم بر جامعه که کاربرد قهر انقلابی را از جانب پيشاهنگ جهت اجرای وظایف فوق ضروری میسازد تمام گروه ها و سازمانهایی که در این شرایط کار صرفاً سیاسی را بمثابة تنها شکل مبارزه پيشاهنگ عملاً طرح میکنند چه در شکل درود سته کمیته مرکزی و یا با شعارهای نفی به اصطلاح مبارزه مسلحانه جدا از توده همگی عملاً در اراویک ماهیتند هر چند که بعلاست ماهیت افتاء شده کمیته مرکزی نیز توده ها آنها را کوشش کنند که با حمله به آن ماهیت اپرتونیستی خود

را پنهان نمایند .

هفت سال پس از آغاز مبارزه مسلحانه علیه رژیم
تمام کمبود ها و ضعفهای آن علیه رژیم حملاتی که از جانب
اپورتونیستها بدان شده و همیشه پراتین انقلابی
توده ها هر روز بیشتر صحت تزه های اساسی آنرا
ثابت میکند و چنین است که : چون مبارزه خلسه
ما علیه امپریالیزم مبارزه ای است مسلحانه طولانی
چون در مقابل مبارزات توده ها قهر ضد انقلابی
رژیم در فاشیستی ترین شکل آن قرار دارد و این
را توده ها بحینته می بینند و تجربیات ماههای
گذشته آنها عمیقتر به آنها نشان داد و توده ها را
به ضرورت اعمال قهر انقلابی آگاه تر نمود در این
شرایط هر نوع سازماندهی مبارزات توده ها اعم
از مبارزات اقتصادی و سیاسی باید با توجه به نقش
محوری مبارزه مسلحانه صورت گیرد و در جهت آن
کانالیزه گردد .

پس در جهت پیوند با مبارزات

خلق در جهت سازماندهی جنبش
خلق در جهت تشکیل آن بر محور مبارزه

مسلحانه پیشنهاد میشود

برای حمایت مادی و معنوی خود با درس
زیر با سازمان ماتماس بگیرید:

آدرس پستی

P.O. Box 5101 - Moalla, Aden

People s Democratic Republic of Yemen

آدرس بانکی

National Bank of Yemen

P.D.R.Y., Aden, Steamer point

Account No. 58305

از انتشارات سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران

خرداد ۱۳۵۲